

## بهره از ظرفیت مردمی و تربیت نیروی متخصص در کانون عظیم تبلیغ

**کانون‌های عظیم تبلیغی یا الهام از رهنمودهای رهبری معظم انقلاب، به عنوان یک نظام یکپارچه تبلیغی طراحی شده‌اند که سه مأموریت کلیدی را بر عهده دارند.**

در روز ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲ رهبر انقلاب در دیدار با جمع کثیری از طلاب، مبلغین و مدیران حوزه علمیه قم و مدیران سازمان تبلیغات اسلامی، با اشاره به ضرورت تأسیس و راه اندازی «کانون عظیم تبلیغ»، بر اهمیت فوق‌العاده تبلیغ در تحولات فکری و اجتماعی تأکید کردند. بر اساس دیدگاه ایشان، امروز دشمنان انقلاب اسلامی، از کانون‌های عظیم تبلیغی برای تحریف واقعیت‌ها و تحریب افکار عمومی استفاده می‌کنند. این کانون‌ها در عرصه رسانه، شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات بین‌المللی فعال هستند و تلاش دارند باورهای مردم را تغییر دهند.

در برابر این تهاجم تبلیغاتی، جمهوری اسلامی نیز باید یک «کانون عظیم تبلیغ» داشته باشد که بتواند با استفاده از ابزارهای نوین رسانه‌ای، واقعیت‌ها را به درستی منتقل کند و از تحریف‌ها و شبهه‌افکنی‌ها جلوگیری کند. از این رو بود که ایشان در این سخنرانی بر اهمیت «کانون عظیم تبلیغ»، اشاره کردند.

بر این اساس با حجت الاسلام محمدباقر ولدان استاد حوزه علمیه قم، درباره ضرورت، اهمیت و راه اندازی کانون عظیم تبلیغ به عنوان یکی از متولیان امر گفتگو کردیم.
لغفاً درباره مأموریت‌های اساسی کانون‌های عظیم تبلیغی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری توضیح دهید.

کانون‌های عظیم تبلیغی با الهام از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، به عنوان یک نظام یکپارچه تبلیغی طراحی شده‌اند که سه مأموریت کلیدی را بر عهده دارند. نخستین و اساسی‌ترین مأموریت، تربیت نسل جدیدی از مبلغان انقلابی است که هم از تسلط تاریخی عمیق برخوردار باشند و هم مهارت‌های ارتباطی مؤثر با افکار مختلف جامعه را دارا باشند. این مبلغان باید بتوانند هم در فضای سنتی مجری و هم در محیط‌های مدرن دانشگاهی و منابر به خوبی عمل کنند.

در بُعد دوم، تولید محتوای تبلیغی هوشمندانه و پاسخگو به نیازهای روز جامعه قرار دارد. این



**تفاوت‌های اساسی این کانون‌ها با نهادهای تبلیغی موجود چیست؟**

کانون‌های عظیم تبلیغی از چند جهت بنیادین با نهادهای موجود متفاوت هستند. در حالی که بسیاری از نهادهای فعلی درگیر فعالیت‌های مقطعی و پراکنده هستند، کانون‌ها با نگاهی نظاممند و بلندمدت به مقوله تبلیغ می‌نگرند.

این کانون‌ها برخلاف ساختارهای اداری سنگین موجود، از چابکی و انعطاف بالایی برخوردارند که امکان پاسخگویی سریع به نیازهای متغیر فرهنگی را فراهم می‌کند.

یکی از وجوه تمایز مهم، رویکرد مردمی و جهادی این کانون‌هاست. به جای تکیه صرف بر ساختارهای رسمی، این کانون‌ها از ظرفیت‌های گسترده مردمی بهره می‌برند و تلاش می‌کنند تبلیغ دین را به یک جریان زنده و پویا در جامعه تبدیل کنند. همچنین، این کانون‌ها با ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلف تبلیغی، از موازی‌کاری‌ها جلوگیری کرده و از اتلاف ظرفیت‌ها به صورت بهینه استفاده می‌کنند.

**وضعیت فعلی و چشم‌انداز آتی این کانون‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

اگرچه این طرح در مراحل اولیه اجرایی قرار دارد، اما شاهد حرکت‌های امیدبخشی در سطح کشور هستیم. در افق کوتاه‌مدت، هدف اصلی، استقرار ساختارهای پایه و تربیت نیروهای متخصص است. در میان‌مدت، ایجاد شبکه‌ای از کانون‌های استانی و تربیت هزاران مبلغ مجرب را دنبال می‌کنیم. در بلندمدت، چشم‌انداز تبدیل شدن به قطب تبلیغ جهان اسلام و تأثیرگذاری در سطح بین‌المللی را پیش‌رو داریم.

برای تحقق این اهداف، نهادهای تبلیغی با هم افزایی حوزه علمیه و استفاده از ظرفیت ارزشمند

## استاد عبدالرسول عبایی؛ قاریِ معلم، معلمِ قاریان

او در کنار آموزش قرآن، تحصیلات حوزوی خود را نیز با جدیت دنبال کرد و از محضر فقها و علمای برجسته درس فقه، اصول، تجوید، تفسیر قرآن و علوم اسلامی را فرا گرفت. این پیوند میان علم و قرآنیت، به او نگاهی ژرف و معنوی در برخورد با کلام‌الله بخشید؛ امری که در تلاوت‌های او همواره مشهود و محسوس است.

**نقش محوری در تربیت نسل از قاریان و مربیان قرآن**

دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ را می‌توان دوران طلایی فعالیت‌های آموزشی استاد عبایی دانست؛ دورانی که در آن با حضور گسترده در مدارس، مساجد و مؤسسات قرآنی، به توسعه آموزش روشمند قرأت پرداخت و یکی از نخستین مدرسه‌های بومی‌سازی آموزش صوت، لحن و تجوید را ارائه کرد. این رویکرد، نه بر مبنای تقلید صرف، بلکه با تأکید بر درک معنایی آیات، رعایت دقیق قواعد وقف و ابتداء، شناخت الحان اصیل عربی، و درک عرفانی از متن مقدس شکل گرفته بود.

بسیاری از قاریان نام‌آور و اساتید فعلی حوزه آموزش قرآن، از شاگردان یا متأثران مستقیم مکتب استاد عبایی هستند؛ مکتبی که تربیت در آن، همزمان هم‌ساحت علمی و هم‌ساحت اخلاقی را در بر می‌گرفت.

**پیشگامی در نظام‌مندسازی دایره مسابقات قرآن**

ورود استاد عبایی به عرصه دایره مسابقات قرآن از سال ۱۳۴۶، نقطه عطفی در حرفه‌سازی این حوزه بود. او در طول بیش از سه دهه، به عنوان داور تخصصی صوت، لحن و تجوید، در معتبرترین

**استاد عبدالرسول عبایی یکی از چهره‌های شاخص و ماندگار در تاریخ تلاوت قرآن کریم در ایران معاصر بود که با دهه‌ها تلاش بی‌وقفه در زمینه آموزش، قرانت و ترویج فرهنگ قرآنی، نام خود را در حافظه فرهنگی و معنوی جامعه قرآنی ایران ثبت کرد.**

در میان چهره‌های برجسته تلاوت قرآن کریم در تاریخ معاصر ایران، نام استاد عبدالرسول عبایی با درخشش خاصی جای دارد؛ شخصیتی که نه تنها در کسوت قاری، بلکه در مقام معلم، مربی و مروج فرهنگ قرآن، تأثیرات عمیق و پایداری در سہر دینی و فرهنگی کشور برجای گذاشته است. پژوهش در زندگی، شخصیت و سلوک حرفه‌ای این استاد فرهیخته، صرفاً مرور کارنامه فردی نیست، بلکه فرصتی است برای بازشناسی فرایند تکوین جریان قرانت ایرانی، نهادهن‌سازی آموزش قرآن در کشور، و باطن‌دگی نهادهای مردمی قرآنی در دهه‌های اخیر.

**ولادت در دیار نور و آغاز انس با کلام وحی**

استاد عبدالرسول عبایی در سال ۱۲۳۴ هجری شمسی در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد؛ شهری که در فرهنگ تشیع، مهد علم، تقوا و عرفان دینی است. فضای معنوی خانواده و بافت مذهبی شهر، بستری فراهم کرد تا استاد از خردسالی با صوت قرآنی مانوس شود. نخستین آموزش‌های قرآنی خود را نزد قاریان و اساتید محلی آغاز کرد و به سرعت استعداد خدادادی‌اش در تلاوت و فهم آیات، مورد توجه اهل فن قرار گرفت.

**از کنسرت‌های تهران تا استیج‌های لاس‌وگاس؛ موسیقی‌ی پاپ چگونه تحت تأثیر فرهنگ و اجتماع مسیر متفاوتی را در ایران و غرب پیموده است**

امید جلیلی متولد آبان ۱۳۲۳ در شهر اهواز است. او اصالتی بختیاری دارد و آهنگساز و ترانه سرا و خواننده موسیقی پاپ و پاپ سنتی ایرانی است. در کارنامه این هنرمند جوان که هم‌اکنون ساکن تهریس است، سابقه همکاری با خوانندگانی چون: علی لهراسی، رضا یزدانی، مجتبی کبیری، علی عبدالمالکی، سامان جلیلی، جنبی صادق و حمید عسکری دیده می‌شود. امید جلیلی که در حال حاضر در اروپا مشغول تحصیل در رشته آهنگسازی است در یادداشتی به بررسی تفاوت‌های موسیقی پاپ در ایران و در غرب پرداخته است. در ادامه متن این یادداشت را می‌خوانید:

موسیقی پاپ، این سبک محبوب و پرشنونده، در کشورهای مختلف جهان اشکال گوناگونی به خود گرفته است. در میان این تفاوت‌ها، مقایسه موسیقی پاپ در ایران و کشورهای غربی به‌خصوص ایالات متحده و بریتانیا، تصویری روشن از تأثیرات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر تولید و مصرف موسیقی ارائه می‌دهد.

**تولد و تحول: نگاهی به باور ریچیه پاپ**

در کشورهای غربی، موسیقی پاپ از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، با ریشه‌هایی در راک اند رول، جاز و بلوز شکل گرفت و خیلی زود جای خود



گروه‌های تبلیغی فعال در سطح کشور، باید با ایجاد مدارس تخصصی تبلیغ، مراکز تولید محتوا و نظام هوشمند پشتیبانی تبلیغی، زیرساخت‌های لازم را فراهم آورند. همچنین توسعه همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های دیجیتال در دستور کار قرار گیرد.

**به نظر شما چرا ایجاد چنین کانون‌هایی با این تأخیر انجام گرفته است؟**

این تأخیر را می‌توان به چند عامل کلیدی نسبت داد. نخست آنکه متأسفانه در طول چهار دهه گذشته، برخی نهادهای تبلیغی نتوانستند به صورت نظاممند به تربیت مبلغ بپردازند و بیشتر به فعالیت‌های مقطعی و کوتاه مدت اکتفا کردند. این امر باعث شد خلأ نیروی مبلغ مجرب در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی جامعه به شدت احساس شود.

از سوی دیگر، همین نهاده‌ها و حوزه‌های علمیه نیاز داشتند تا به بلوغ تشکیلاتی لازم برای چنین مأموریت سنگینی دست یابند. توسعه علوم حوزوی و آشنایی با روش‌های نوین تبلیغی زمان‌بر بود. همچنین افزایش فشارهای فرهنگی دشمنان و پیچیده‌تر شدن شب‌هات، ضرورت ایجاد چنین ساختار منسجی را بیش از پیش آشکار ساخت.

ضمن اینکه در گام اول انقلاب اسلامی چالش‌های مختلف فرهنگی مانع از تمرکز بر عرصه تبلیغ دینی شده بود و حالا در گام دوم باید بر امر

## پایه‌گذاری و ترویج دارالقُرآن‌های مردمی



مسابقات ملی و بین‌المللی، از جمله دو دوره در مسابقات بین‌المللی قرآن مالزی (که حضور در آن برای داوران ایرانی بسیار محدود بوده است)، نقش‌افزایی کرد. حضور مداوم استاد تا سال ۱۳۹۷ که مقارن با آغاز بیمار‌ی‌اش بود، موجب ارتقای وقت معیارهای دایره و نهادهن‌سازی شیوه‌های علمی ارزیابی در مسابقات شد. تسلط بر ریزه‌کاری‌های فنی تلاوت، انصاف در دایره، و برخورد بزرگوارانه با شرکت‌کنندگان، از ویژگی‌های ممتاز او به‌شمار می‌رفت.

## بررسی تفاوت‌های موسیقی پاپ در ایران و کشورهای غربی

پلتفرم‌های دیجیتال مانند یوتیوب و اسپاتیفای بهره می‌برند. در مقابل، هنرمندان ایرانی برای پخش آثار خود عمدتاً به شبکه‌های ماهواره‌ای مجبور‌اند، اما می‌ایس از انقلاب با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد.

**فرهنگ و اجتماع: از آزادی بیان تا سانسور محتوا**

در جوامع غربی، موسیقی پاپ بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ عامه است. هنرمندان در آثار خود آزادانه درباره عشق، روابط، سیاست، مسائل اجتماعی و گاه موضوعات جنجالی می‌خوانند.

اما در ایران، محدودیت‌های فرهنگی و عرفی و قانونی وجود دارند. برای سالیان زیادی خوانندگان و ترانه‌سرایان موسیقی پاپ برای بیان دیدگاه‌هایشان از زبان استعاره و سمبل استفاده می‌کردند. امروزه اما فضا برای موسیقی پاپ بازتر از گذشته است و هنرمندان این عرصه از آزادی بیشتری برخوردارند.

**سبک و ساختار: تنوع غربی در برابر خلاقیت ایرانی**

موسیقی پاپ غربی اغلب با ساختارهای پیچیده‌تر، تجهیزات پیشرفته، و تنوع ژانرها شناخته می‌شود. در ایران نیز، هنرمندان با ترکیب ابزارهای سنتی ایرانی با فرم‌های مدرن، نوعی سبک یک منحصربه‌فرد خلق کرده‌اند که هویتی مستقل دارد.

**پخش موسیقی: از اسپاتیفای تا ماهواره**

### عوامل دوری خانواده ها از یک دیگر



**دبیر پژوهش روزنامه سراج**  
**حجت الاسلام دکتر مجتبی خندان**

بخورند، صمیمیت اعضای خانواده را دو چندان می‌کرد. اما درحال حاضرنه اینکه فرصتی برای دورهم بودن نباشد، نه‌ا، انگارحوصله‌ای نیست برای اینکه کارهایی که امکان جمعی بودنشان هست، به صورت گروهی انجام دهیم. کم رنگ شدن صمیمیت‌ها می‌تواند علت های بسیاری داشته باشد، علت‌هایی که شاید به این سادگیا به ذهنتان نرسد. صمیمیت درگذشته ازجس دیگری بود؛ یک جنس منحصربه فرد؛ جنسی که حتی وقتی به آن فکر می‌کنیم، یک حس شفاف و نشاط خاص به سراغمان می‌آید. وجود این صمیمیت خاص، می‌توان علت های زیادی داشته باشد. صمیمیت لفظاتی از ارتباطات انسانی است که احساسات ظریف طرفین ابرازومحبت بین دو نفربرانگیخته می‌شود که به معنی علاقه‌ای واقعی و به دورازهرنوع الایش‌است.دگذشته مردم برای گذران زندگی روزمره خود و خانواده این قدردرگیری ومشغله نداشتند. شما وقتی فکرآزادی نداشتے باشید، آن قدر اززمانها درگیرهستید که درخودتان فرومی روید وحتی دیگران را نمی بینید ویا حوضرشان را درک نمی کنید، چه برسد به این که بخواهید با آنها صمیمی باشید! مشکلات خانوادگی در حال حاضر باعث شده است فرصت شاد بودن در یک احساس صمیمیت در بین افراد خانواده و بالطبع جامعه ادرست برود.یکی ازمسئدات های صمیمیت دورهم جمع شدن وگپ زدن های دوستانه با خانوادگی است. دگذشته تدارک یک مهمانی ودورهم جمع شدن ها، هزینه زیادی نداشت. بنابراین مراسمی که درآن طعم صمیمیت دوجندان می شد، به راحتی برگزار می شدند. اما حالا به دلیل گرانی وتورم،هزینه یک مهمانی، به خانواده ها از لحاظ اقتصادی دوره فشاروراد می کند، بنابراین، دیگر تقریباً دوره برگزاری مهمانی های دوره ای به سررسیده است و شاید چون یکدیگربرا خیلی کم می بینیم، با هم صمیمی هم نیستیم. زیرا با یکدیگرچشم وهم چشمی می کنیم.سنگینی برای برگزاری مهمانی های فامیلی وخانوادگی، صرف می کنیم. از نظر اقتصادی فشارزیادی را متحمل شده و مجبوری شوم دیگرادامه ندهیم.بنابراین دوره‌ها بودن ها، با هم بودن ها وفرصتهای درک صمیمیت وشادی را قربانی چشم وهم چشمی خود می کنیم.

یکی دیگر ازعوامل دوری خانواده ها کم شدن اعتماد افراد نسبت به یکدیگراست.چون افراد فکری می کنند، نمی توانند یکدیگربرا بشناسند وممكن است اگربا کسی صمیمی شوند، مورد سوءاستفاده قرارگیرند، بنابراین ترس ازاین صمیمیت باعث می شود ازمهم فاصله بگیرند. خیلی عجیبه! درست است که ما ازفرهنگ کهن دبروزخیلی فاصله گرفته ایم. اما هنوزبعضی جمعیات قمارگذشته به نفع خودمان بهره می گیریم.یکی ازاین عبارات نقضش در حال حاضر بسیار به کارمی آیدهمین عبارت دوری ودوستی است.ما درحال حاضر اعتقاد داریم اگر ازافراد دوربوده وزیاد با آنها ارتباط نداشته باشیم،عزیزخواهیم بود وهیچ درگیری ای هم بین مان پیش نخواهد آمد؛در حالی که چنین نیست. غافل ازاین که با دوری هیچ گاه دوستی وصمیمیت بوجود نخواهد آمد!اوجه بسا بسیاری ازصمیمیت ها، با دوری افراد از هم بیرون دیدگر به دست نیاید.

یکی دیگر از این عوامل، تغییرسبک معماری گذشته با سبک معماری جدید است اگرچه خاطر داشته باشید ، درمانی نه چندان دورسبک معماری منازل با سبک معماری امروزی خیلی تفاوت داشت. دران زمان معماری خانه ها به صورت سنتی بود (اتاق هایم دراطراد هم دراطراف حیاطی که دروسط آن حوضی قرارداشت)، درحالی که درحال حاضر،دیگراز آن معماری خیری نیست و به معماری مدرن تغییر یافته است. محل سکونت اکثر افراد آپارتمان هایی با ابعاد مختلف است که بیشتر نقش محل استراحت و آسایش آنها را بازی می کند و دلگیر به نظر می رسد. شاید بگویید خوب منظور از این حرفها این است:تغییرسبک معماری در قدیم حتی معماری منازل هم در دور هم بودن و ایجاد صمیمیت ها تأثیر بسیارزیادی داشت. سبک معماری سنتی خود به طور غیرمستقیم حس گروهی انسانها را افزایش می داد، چون کارهایشان را در حضور یکدیگر و با هم انجام می دادند، حس مبدلی و صمیمیت نیز در بین آنها افزایش می یافت. اما در حال حاضر شکل منازل به گونه ای است که به طور غیرمستقیم در منفرذ زندگی کردن انسانها تأثیر می گذارد وحتی متأسفانه وسایل سرگرمی افراد خانواده نیزبسیارتغییر پیدا کرده است،در حال حاضر گسترش وسایل تفریحی انفرادی همچون انواع بازی های رایانه ای، دسترسی به اینترنت و چت، انواع شبکه های تلویزیونی و ماهواره و... باعث شده است افراد ترجیح دهند اوقات فراغتشان را به تنهایی بگذرانند. همین قضیه خود تا حدی باعث دور شدن افراد ازهم می شود

تا حالاهیچ فکرکرده اید که ما آدم ها چرا اینقدرازهم دیگردورشده ایم وجه عواملی باعث این فاصله ها شده است ؟ آیا تا بحال فکرکرده اید که اگرروزی واقعاً تنهای تنها شوید چه وضعیتی خواهید داشت .براستی علت این همه دوری وافاصله چیست ؟ تغییرات اجتماعی درتارو پود زندگی مدرن تشیده شده‌است .بدون تردید شروع این تغییرات درهرجامعه ای همراه با چالش ها و مقاومت ها و دل نگرانی‌هایی بوده است که مسائل ومشکلاتی را بارخواهدآورد ومهم ترین دلیل این دل نگرانی، تحولات ودگرگونی‌های فراوانی است که به مروردرهمه نهادهای اجتماعی ازجمله وخانواده ها ببارآورده است . دراین بیان به نظرمی رسد گستره‌این تحولات در تمامی ابعاد و زوایای ساختی کارکردی خانواده به ویژه درکشورهای صنعتی به وجود آمده است . به نحوی که به نظر می رسد که نشانه های جدی ازمهم پاشیدگی این کانون دیرپای اجتماعات انسانی در بسیاری ازجامعه های جدید ظاهرشده برمبنایان جامعه شناسان ودانش پژوهان نظریاتی ارائه کرده‌اند. نقش خانواده دررشدوتشکیل شخصیت افراد برهیچ کس پوشیده نیست.خانواده اولین وتنها واسطه ارتباط جوانان با اجتماع است.درخانواده کودک ارزش ها وضد ارزش هاصول وقواعد اخلاقی راسی آموزد،چه ازلحاظ عاطفی،شناختی و. بچه ها وابستگی خاصی به خانواده دارندوبرای آنهاخانوادهمهمترین نقش رادارزمینه ی تأمین نیازهای روانی دارد. درزمانهای گذشته بیشترنیازانسان درمحیط خانواده تأمین می شد. نیازبه غذا، کار، آموزش، پرستش ومحبت ونیاز به تشکیل خانواده، ازجمله نیازهای اساسی انسان هستند. درآن زمانها تأمین همه یا دست کم بخشی ازعمده این نیازها به عهده خانواده بود، بنابراین خانواده ها برای تأمین نیازهای مختلف خود، کارهای زیادی را نیزبرمحیط خانواده انجام می دادند؛ ولی بشرهمیشه به دنبال زندگی راحت وتوروشهای بهتروآسانتربرای رفع نیازمندیهای خود بوده است.

انسانها به خوبی دریافته اند برای اینکه در لازم است وقت زیادی را صرف آن کارکنند وتا حد ممکن ازپرداختن به کارهای دیگر خود داری کنند. در این میان به تدریج کنایاتی شدند که بیشتراوقات خود را صرف یک کار بخصوص می کردند. عده ای مثلاً خیاط و عده ای تجارشدند وبه این ترتیب هرکس که تخصصی یک کارویژه بود دست به همان کارزد، به این ترتیب ازوظایف درونی خانواده کم شد. درعوض خانواده ها به یکدیگر نیازمند شدند. خانواده ها از اینکه کاری خاص را انجام می دهند درکارهای متعدد وگوناگون سردرگم نمی شوند و راضی بودند. براین اساس تعداد بیشتری ازخانواده ها دورهم جمع شدند وشهرها را به وجود آوردند. بعد ازبه وجود آوردن شهرها برای رعایت نظافت محیط، ساخت مسکن، رفت و آمد در شهرلازم بود تا مؤسسه هایی به وجود آیند که نیازها را برطرف ومشکلات راحل کنند؛ مانند مؤسسه ای که وظیفه اش خارج کردن زباله ها ازداخل شهروانتقال آن به بیرون شهروند. امروزه این مؤسسه را شهرداری می نامیم. مؤسسه دیگر، اداره راهنمایی و رانندگی است که رفت و آمد وسایل نقلیه را کنترل می کند وبرای آموزش فرزندان، مؤسسه ای به نام مدرسه ایجاد شده؛ اما اینکه نیز بسیاری ازنیازهای عمده واساسی انسان اعلیرغم به وجود آمدن مؤسسات بسیم) درداخل خانواده ها تأمین می شود. به مردم وهم مؤسسهات یک جامعه نیازبه خانواده هایی سالم دارند تا بتوانند اعضای مفیدی به جامعه تحویل دهند.پس نتیجه می گیریم که بشرازابتدا درخانواده زندگی می کرده است. در گذشته خانواده ها تأمین بیشترنیازهای انسانها را داشته اند؛ ولی به تدریج با پهرشنین شدن انسانها تأمین همه نیازها ازتوانایی خانواده خارج می شود، خانواده ها تأمین این نیازها را به گروههایی به نام مؤسسه اگذار کرده اند. امروزه هرمؤسسه می تواند بخشی ازنیازهای فردی واجتماعی مردم را تأمین کند.

متأسفانه خیلی ازافراد جامعه، سرشان تودارخودشان است وشاید بهتره بگوییم به جورایی داریم زیست می کنیم نه زندگی. خیلی از ما به جورایی دچارزورمرگی شده ایم و یک سبکلبسته را هرروزتکرارمی کنیم. زندگیاهمش شده کاروکاروکار.روزهای تعطیل بیشتر شده. نه تنها خانواده ها با هم رفت وآمد ندارند.اعضای خانواده هم خیلی کم مهاجیرگا می بینندچه برسد به اینکه سربک سفره بنشینندوبا هم غذا بخورند. تعداد کسانی که می دونند اسم همسایه هاشون چیست انگشت شمارند وآنهایی که با همسایه هاشون رفت وآمدمی کنند، نایاب! رفت وآمدهای فامیلی هم تبدیل شدن به تماشای تلفنی! تازه اگرمشغله ها اجازه بدهندودلبرهیا امان بدهندا هرچیزی که قبلادسته جمعی بودنش باعث شادی وایجاد صمیمیت می شد حالا دیگرافرادبرگزار می شود حتی تفریح ها هم با انفرادی شدند. نمی دونم داریم به کدوم سمت می رویم. گاهی ازفکرکردن به این قضایا دلم می گیرد.

این حرفها می تواند حرف دل اکثریت ما باشد. اینکه تقریباً درکل شبانه روزتنهاییم و تمامی کارهای روزمره مان را تنها انجام می دهیم. تنها غذا می خوریم. تنها اوقات فراغتمان را می گذرانیم. تنها تفریح می کنیم . درخانه حتی با حضورنمایی افراد خانواده، خیلی کم پیش می آید که دریک زمان پای یک سفره بنشینیم ودرچین غذا خوردن، طعم حضورصمیمانه یکدیگربرا نیزچشیم. درمان هایی نه چندان دورهمین اعتقاد ساده که همه باید با هم سربک سفره بنشینند وغذا